



## A Study of the Historical Background and Evolution of Echmiadzin and Its Role During the Qājār Era According to Historical Sources

**Dr. Mohammadreza Alam** (Corresponding Author), Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Email: [alam@scu.ac.ir](mailto:alam@scu.ac.ir)

**Dr. Arsen Avakian**, Professor, Department of History, Yerevan State University, Yerevan, Armenia

**Abbas Eqbal Mehran**, PhD Candidate, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

### Abstract

Throughout Armenian history, Echmiadzin has been the primary unifying force among Armenian people, preventing their fragmentation and acting as a mediator between the *Qājār* state and the Armenians living within Iran's territory. Due to the trust placed in the Echmiadzin by Armenians and the *Qājār* state, this religious Christian institution played a key role during the reign of *Qājār* kings in solving conflicts, organizing Armenian affairs, and ensuring the religious freedom of Armenians. The present study seeks to analyze the history and development of the Echmiadzin through an analytical lens. Accordingly, the study aims to answer the following questions: 1. What status and function did Echmiadzin hold among the people and governments? 2. What roles have different states played in the evolution and transformations associated with Echmiadzin's status? The findings of the study suggest that Echmiadzin played a key role in maintaining Armenian unity and preventing its fragmentation, due to the Armenians' deep trust in it and the esteemed position it held among Armenians and the *Qājār* state. Several factors influenced the changing titles associated with Echmiadzin, with ruling authorities playing a central role in this transformation.

**Keywords:** historical background, evolution, Echmiadzin, *Qājār*





سال ۵۶ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۱۳ - پاییز و زمستان ۱۴۰۳، ص ۸۳ - ۱۰۳	HomePage: <a href="https://jhstory.um.ac.ir">https://jhstory.um.ac.ir</a>	
شاپا چاپی X ۷۰۶ - ۲۲۲۸	شاپا الکترونیکی ۴۳۴۱ - ۲۵۳۸	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۸	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۱۰	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰
DOI: <a href="https://doi.org/10.22067/jhstory.2024.90524.1341">https://doi.org/10.22067/jhstory.2024.90524.1341</a>		نوع مقاله: پژوهشی

## نگاهی به تاریخچه و تطول اچمیادزین

### و کارکرد آن در دوره حکومت قاجار براساس منابع تاریخی

دکتر محمدرضا علم (نویسنده مسئول)

استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

Email: [alam@scu.ac.ir](mailto:alam@scu.ac.ir)

دکتر آرسن آواکیان

استاد گروه تاریخ دانشگاه دولتی ایروان، ارمنستان

عباس اقبال مهران

دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

### چکیده

اچمیادزین به عنوان یک نهاد دینی در تاریخ ارمنستان، یگانه عامل پیونددهنده مردم ارمنی و مانع ازهم‌پاشیدگی و واسطه امور فی مابین دولت قاجار و ارمنه ساکن در قلمرو جغرافیایی ایران گردید. به دلیل اعتمادی که از سوی ارمنه و دولت قاجار به اچمیادزین وجود داشت؛ این نهاد دینی مسیحی در طول دوره زمامداری شاهان قاجار در حل اختلاف و سامان دادن به مسائل ارمنه و آزادی مذهبی آن‌ها نقش مهم و کلیدی را بر عهده داشت. این پژوهش درصدد است با نگاهی تحلیلی به بررسی تاریخچه و تطول اچمیادزین در منابع تاریخی بپردازد. لذا در پی پاسخ‌گویی به این سوال‌ها است: ۱- اچمیادزین چه جایگاه و کارکردی در میان مردم و حکومت‌ها داشته است؟ ۲- دولت‌ها در سیر تغییر و تحول عنوان اچمیادزین چه نقشی داشته‌اند؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اچمیادزین به دلیل داشتن اعتماد و جایگاه بالا از سوی ارمنه و دولت قاجار عامل اتحاد و عدم اضمحلال مردم ارمنی در طول تاریخ بوده است. عوامل متعددی باعث تحول در اطلاق عناوین مختلف به اچمیادزین بوده است. حکومت‌ها در تحول عنوان اچمیادزین نقش مهمی داشته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** تاریخچه، تطول، اچمیادزین، قاجار.

## مقدمه

روابط دیرینه ارمنه و ایرانیان از آغاز قرن هفدهم میلادی وارد مرحله جدیدی شد. رابطه ارمنیان و ایرانیان درهم تنیده است، چرا که یکی از ادیان رایج ایران حتی پیش از ظهور اسلام، آئین مسیحیت بوده است. اما جابه‌جایی ارمنه و به‌ویژه کوچ آن‌ها از موطن اصلیشان به نقاط مختلف کشور در دوره شاه عباس (۱۰۳۸-۱۰۵۲ق)، نقطه عطفی در این ارتباط بوده است. «اچمیادزین» به‌عنوان یک نهاد دینی یگانه عامل پیونددهنده مردم ارمنی و همچنین واسطه امور فی مابین دولت قاجار و ارمنه گردید. این کلیسا ضمن جلب اعتماد طرفین در طول دوره زمامداری آقا محمدخان قاجار (۱۱۵۵-۱۲۱۱ق) و فتحعلی شاه قاجار (۱۱۸۳-۱۲۵۰ق) در حل اختلاف و سامان دادن به مسائل ارمنه و آزادی مذهبی آن‌ها نقش مهم و کلیدی داشت. اچمیادزین<sup>۱</sup> که مانند واتیکان در میان مردم ارمنی معروف است در دو فرسخی ایروان، اطراف «وارگاپات» واقع شده است. واگارشاپات اکنون تنها یک روستای بزرگ است، اما قبلاً پایتخت ارمنستان بوده است. البته علاوه بر این، دوازده کرسی دیگر نیز در ارمنستان وجود داشت. در همان سرزمینی که اکنون واگارشاپات نامیده می‌شود، در زمان سابق «آرغانت - کاغاک»<sup>۲</sup> شهر آرتمیسیس<sup>۳</sup> یا «ونوس ارمنیان» قرار داشت.<sup>۴</sup> اهمیت این بنای مذهبی برای شاهان قاجار به حدی بود که شخصاً برای بازدید و دلجویی از خلیفه ارمنه به آنجا می‌رفتند. به نوشته فووریه «شاه می‌خواست نزد خلیفه بزرگ اچمیادزین که زیر نظر پاپ ارمنی بود برود. اچمیادزین دو فرسخ با ایروان فاصله دارد».<sup>۵</sup> اچمیادزین در نزد ارمنه جهان مهم‌ترین و اصلی‌ترین مقر خلیفه اعظم ارمنه (کاتولیکوس) محسوب می‌شود. نقش آن بسیار بیشتر از یک کلیسا و نزد ارمنیان جایگاه واتیکان برای مسیحیان کاتولیک را دارد. در اکثر متون ارمنی از اچمیادزین به‌عنوان مکان مقدس یا اچمیادزین مقدس<sup>۶</sup> یاد شده است که فراتر از یک مفهوم، نقش و کارکرد برای یک کلیسا است. این کلیسا مقدس به معنی اچمیادزین در ارمنی، مکانی است که پسر خدا پا بر روی زمین گذاشت. اچمیادزین را ترک‌ها، اوچ کلیسا به معنای «سه کلیسا» می‌نامیدند که به کلیسای بزرگ اچمیادزین و دو کلیسای مجاور آن، سنت هریرسمه<sup>۷</sup> و سنت گایانه<sup>۸</sup> اشاره داشت. در تصویری که از این مکان در پایان قرن

1. Etchmiadzin.

2. Arganet-Kaghak.

3. Artemise.

۴. اورسول، سفرنامه قفقاز و ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، ۱۱۷.

۵. فووریه، سه سال در دربار ایران از ۱۳۰۶-۱۳۰۹ قمری، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، ۴۱.

6. Holy See.

7. Stripsime.

8. St. Gayane.

هفدهم میلادی ترسیم شده است، دیر اچمیادزین در دامنه کوه آرات در بین خانه‌های روستایی قرار دارد. دو کلیسای شوغاکات و گایانه نیز با فاصله از کلیسای اچمیادزین در میان حصارهای جداگانه جای گرفته‌اند. مصطفی حاجی خلیفه، معروف به کاتب چلبی، نیز در کتاب جهان‌نمای خود، به سال ۱۶۵۷م از دیر اچمیادزین با نام «اوج کلیسا» یاد کرده است.

### پیشینه پژوهش

در مورد پژوهش حاضر تحت عنوان «تبارشناسی اچمیادزین بر اساس منابع تاریخی» تاکنون پژوهش‌های مستقل و جامعی به صورت تحلیلی صورت نپذیرفته است و فقط بررسی‌ها و پژوهش‌های محدودی در مورد نقش این نهاد دینی انجام گرفته است. بنابراین، پژوهش حاضر در راستای همین ضرورت و رفع خلاء مطالعاتی موجود انجام شده است. کتاب‌ها، مقالات و نوشته‌هایی که به‌عنوان مأخذ در این پژوهش مورد استفاده بوده و با محتوای پژوهش حاضر تناسب موضوعی دارد معرفی می‌گردد. فاطمه اروجی «مناسبات عباس میرزا با کلیسای اچمیادزین با تکیه بر اسناد آرشیوی»<sup>۹</sup> را مورد بررسی قرار داده است. در پژوهش اروجی تلاش شده است تا ارتباط شاهزاده عباس میرزا (۱۱۶۸ - ۱۲۱۲ ش) با ارمنیان و به‌خصوص اچمیادزین بررسی شود. همچنین وی به تلاش ایران برای حفظ این گفتگو و حفظ حاکمیت تاریخی خود بر آن سرزمین و همچنین اقدامات نخبگان اچمیادزین که منجر به روند جدایی‌یروان از ایران و الحاق ایروان به روسیه شد، اشاره کرده است. شاهین هوسپیان در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به تاریخ شهر اچمیادزین»<sup>۱۰</sup> اشاره کرده است که در دوره‌های مختلف از کل منطقه نقشه‌های جغرافیایی تهیه شده است. در این نقشه‌ها، موقعیت ارمنستان را نیز مشخص و نام شهرهای مهم فلات ارمنستان ذکر شده است؛ اما از سده هفدهم میلادی به بعد نام واقار شاپاد بر اساس دیری که در آن قرار گرفته به صورت اچمیادزین ذکر شده است. در نقشه‌های موجود به زبان‌های ارمنی، انگلیسی، روسی، ایتالیایی و عربی از «واقار شاپاد» در دو جا به صورت «اوج کلیسا»، دو جا به صورت «اکیبازین» و در مابقی نقشه‌ها به صورت اچمیادزین نام برده‌اند. اچمیادزین جایگاه رهبری دینی ارمنیان جهان است. نخستین کلیسای ارمنیان، پس از رسمیت یافتن مسیحیت در ارمنستان، در این شهر ساخته شد. از این رو ارزش تاریخی آن به اندازه‌ای است که شایسته بررسی و جست‌وجوهای تاریخی است؛ به‌ویژه آنکه کاوش‌های باستان‌شناسی سکونت‌گاه‌های بسیاری از دوره‌های پارینه‌سنگی و دوره‌های پس از آن را در این شهر نشان داده است. این جستار پژوهشی،

۹. اروجی، فاطمه. «مناسبات عباس میرزا با کلیسای اچمیادزین با تکیه بر اسناد آرشیوی». تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، ش. ۲۸ (پاییز ۱۴۰۰): ۱-۳۰.

۱۰. هوسپیان، شاهن. «نگاهی به تاریخ شهر اچمیادزین». فصلنامه فرهنگی پیمان، ش. ۸۶ (زمستان ۱۳۹۶): ۱۸۱-۱۹۰.

در بردارنده آگاهی‌های تاریخی و باستان‌شناختی بسیاری به‌ویژه در پیوند با تاریخ ایران است. اچ پاپازیان در پژوهشی با عنوان متن فرامین فارسی ماتناداران<sup>۱۱</sup> به بررسی نقش فرامین فارسی ماتناداران در روابط میان اچمیادزین و دولت قاجار پرداخته است. میناسیان در مقاله با عنوان «نقش ارامنه در ارتش ایران»<sup>۱۲</sup> اشاره کرده است که در ایران اسلامی بر خلاف ترکیه اسلامی، ارامنه با رهبری اچمیادزین نه تنها حق حمل اسلحه را داشتند بلکه در ارتش ایران دارای واحدهای نظامی جداگانه‌ای بوده‌اند. در شروع جنگ‌های ایران و روس، تعداد کثیری سرباز ارمنی در ارتش ایران حضور داشتند. این پژوهش درصدد است با نگاهی تحلیلی به بررسی تبارشناسی اچمیادزین در منابع تاریخی بپردازد. لذا در پی پاسخ‌گویی به این سوال‌ها است: ۱- اچمیادزین چه جایگاه و کارکردی در میان مردم و حکومت‌ها داشته است؟ ۲- دولت‌ها در سیر تغییر و تحول عنوان اچمیادزین چه نقشی داشته‌اند؟

### ۱- ارامنه ایران

یونانیان و اتیکه<sup>۱۳</sup> اولین کسانی بودند که قوانین و آداب مسیحیت را به ارمنیان آموختند. این معلمان و مبلغان، آموزه‌های روح القدس و مفاهیم دینی را به روش دینی یونانیان آموختند. ارامنه از اعتقادات مونوفیزیت‌ها پیروی می‌کنند. کلام خدا و انواع سرودها و دعاها را به زبان خود می‌خوانند. همچنین، عقاید ارامنه در مورد تصاویر مقدس معتدل است و غیرعادی، پر سر و صدا یا کفرآمیز نیست. در مراسم تقدیس نان و شراب، همه مردم کلیسا در آن شرکت می‌کنند و همه از راهبان و کشیشان گرفته تا کودکان نان ساده می‌خورند و از همان جام شراب می‌نوشند.<sup>۱۴</sup> ارمنیان پیرو کلیسای گریگوری بودند که طبق تصمیم شورای کالسدون از کلیسای ارتدکس جدا شده بود. ارامنه بیشتر در روستای «چخور سغد» زندگی می‌کردند، اما تعداد زیادی از آن‌ها در جلفا اصفهان و تعداد کمتری در همدان و سایر شهرها زندگی می‌کردند.<sup>۱۵</sup> اما درحالی‌که ایران اکثریت مطلق پیروان اسلام را دارد، هیچ کشوری در خاورمیانه وجود ندارد که به اندازه ارامنه شهروندان مسیحی داشته باشد. زمانی‌که ارمنستان از ایران جدا شد، تقریباً همه ساکنان آنجا زندگی زیر یوغ ایرانیان را به ترکان ترجیح دادند و در نتیجه به طور دسته‌جمعی به ایران مهاجرت کرده و در نقاط

۱۱. پاپازیان، اچ. متن فرامین فارسی ماتناداران. ایروان: آکادمی علوم ارمنستان، ۱۹۵۶.

۱۲. میناسیان، سرگنی. «نقش ارامنه در ارتش ایران». ترجمه آن‌هاید هوسپیان. پیمان، ش. ۱۸-۱۹ (زمستان و بهار ۱۳۸۰): ۱۳۲-۱۳۹.

13. Eutyche ens.

۱۴. شاردن، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ۴۱۱.

۱۵. راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ۵.

مختلف این کشور پراکنده شدند. ایرانی‌ها به گرمی از آن‌ها استقبال کردند و خیلی زود اکثر آن‌ها ثروتمند و از نظر مالی مستقل بودند.<sup>۱۶</sup> دولت صفوی به ارامنه آزادی و امتیاز داد تا از محیط جدید پیروی کنند و آن‌ها را تشویق به ساخت خانه‌ها و مزارع خود کرد. ارامنه کم‌کم به این آب و خاک عادت کردند و با این احساس که جزئی از پیکر بزرگ ایران هستند در حیات اجتماعی و اقتصادی ایران ظاهر شدند. به گزارش منابع «ارامنه که مردمی فعال بودند به تجارت پرداختند و در نتیجه همت و پشتکار آنان جلفا به شهری مرفعی تبدیل شد».<sup>۱۷</sup> پیشرفت ارمنیان چنان بود که به زودی تجارت ابریشم خام، سنگ‌های قیمتی، مروارید و پارچه‌های دستباف میان ایران، هندوستان و روسیه را در دست گرفتند.<sup>۱۸</sup> شاهان صفوی از ارمنیان برای برقراری روابط با کشورهای خارجی همچنین از روحانیون مسیحی، اسقف‌ها و کشیشان کاتولیک اروپایی مقیم ایران برای تقویت روابط اقتصادی و سیاسی خود با دولت‌های اروپایی استفاده می‌کردند.<sup>۱۹</sup> اهمیت کارکرد اقتصادی و سیاسی ارامنه برای حکومت وقت ایران ثابت شده بود. به همین دلیل از آن‌ها حمایت می‌کردند.<sup>۲۰</sup> پس از مرگ شاه عباس یکم (۱۰۳۸-۱۰۵۲ق) نیز، اصول سیاست ایران نسبت به رعایای ارمنی خود تغییری نیافت و کم‌وبیش تا پایان حکومت صفویان پایدار ماند. از دوران پادشاهی شاه سلطان حسین صفوی، ایران به تدریج شکوه و نیرومندی گذشته را از دست داد. در حمله افغان‌ها به اصفهان ارامنه نقش عمده‌ای در دفاع از شهر جلفا و مقابله با مهاجم افغان‌ها بر عهده داشتند.<sup>۲۱</sup> قدرت و نفوذ اچمیادین در عهد شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۳۹-۱۰۷۹ق) به حدی بود که در مواردی باعث لغو فرامین سلطنتی گردید و از نفوذ مبلغان فرانسوی در ایران عهد صفوی جلوگیری کرد. رقبای اروپایی فرانسوی‌ها را در عرصه داخلی در حوزه تجارت و سیاست در ایران موانعی را برای پیشبرد اهداف فرانسوی‌ها ایجاد کردند. به طوری که انگلیسی‌ها، هلندی‌ها و متحدان آن‌ها، بازرگانان ارمنی، شاه سلطان حسین صفوی را تحت فشار قرار دادند تا امتیازات داده شده به فرانسوی‌ها را ملغی کند.<sup>۲۲</sup> دوره پادشاهی فتحعلی‌شاه قاجار (۱۱۸۳-۱۲۵۰ق)، دوره آرامش نسبی برای ارامنه بود. اسماعیل راثین در کتاب خود وضع ارمنیان را در زمان فتحعلی‌شاه قاجار خوب توصیف کرده است.<sup>۲۳</sup> فتحعلی‌شاه به ارامنه اعتمادی زیادی داشت.<sup>۲۴</sup>

۱۶. دروویل، سفر در ایران، ۱۱۵.

۱۷. رضایی، گنجینه تاریخ ایران، ۳۷.

۱۸. دره‌هانیان، تاریخ جلفای اصفهان، ترجمه لئون میناسیان و محمدعلی موسوی فریدنی، ۱۲۷.

۱۹. پطروشفسکی، تاریخ ایران، ترجمه کریم کشاورز، ۵۲۲.

۲۰. اعرابی هاشمی، «نقش ارامنه در تجارت خارجی صفویه»، ۶۲.

۲۱. هنوی، هجوم افغان و زوال دولت صفوی، ترجمه اسماعیل دولت‌شاهی، ۱۱۲-۱۱۸.

۲۲. نوایی، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ق، ۳۳.

۲۳. راثین، ایرانیان ارمنی، ۳۸.

در زمان حکومت فتحعلی شاه قاجار، جنگ‌های ایران و روس با انعقاد دو عهدنامه گلستان و ترکمنچای پایان یافت. بر اساس این قرارداد «مناطق داغستان، گرجستان، آبخازیا، خانات باکو، قره باغ، گنجه، شیروان، کعبه، دربند و تالش و تمام مناطق شرقی ارمنستان به روسیه واگذار شد».<sup>۲۵</sup> دولت روس به دنبال وابسته کردن اچمیادزین و کشیشان بزرگ آن بود. در واقع اچمیادزین پلی برای حضور و تأثیرگذاری روس‌ها در آسیای مرکزی و قفقاز محسوب می‌گردید. به گزارش منابع «تقریباً تمامی ارمنیان ترکیه و ایران آیین ملی و تاریخی تبار خود را که همان آیین میلادی است، رعایت می‌کنند. علاقه و اهمیتی که دولت روسیه در ارتباط صومعه اچمیادزین و کاهنان اعظم آن می‌بیند تا با کمک آن‌ها مسیر فتوحات آینده آن‌ها در آسیا هموار و هموار شود، به خوبی قابل درک است».<sup>۲۶</sup> امپراتوری روسیه در نظر داشت روستاهای خانات ایروان و نخجوان را که بر اثر جنگ‌های طولانی ویران و خالی از سکنه شده بودند، بار دیگر قابل سکونت سازد. همچنین، به دنبال آن بود که با متروکه کردن آذربایجان ایران به اقتصاد این منطقه لطمه بزند. روس‌ها برای تحقق این دو هدف از وضعیت نامناسبی که خان‌های آذربایجان ایران برای ساکنان ارمنی منطقه به وجود آورده بودند بهره بردند.

روس‌ها برای عملی کردن سیاست‌های خود اقدام به تبلیغات جهت مطلوب نشان دادن وضعیت زندگی برای ارمنیان در شمال رود ارس کردند. به نوشته سرکیسیان «بسیاری از ارمنیان روستاهای آذربایجان به زور ارتش روسیه تن به مهاجرت دادند و طبق برنامه‌ریزی روسیه قرار بود ۶۵۰۰۰ نفر به شمال رود ارس مهاجرت کنند که با مداخله عباس میرزا و ارسال نامه اعتراضی به پاسکویچ ۲۰۰۰۰ نفر در روستاهای منطقه باقی ماندند».<sup>۲۷</sup> به گزارش منابع «مهاجران در روستاها و شهرهای مختلف دشت آرات و تعدادی از آنان نیز در روستای واقارشاباد ساکن شدند، که آمار دقیقی از شمار آن‌ها در دسترس نیست. روسیه به غیر از آنکه ارمنیان را وادار به مهاجرت کرد، حدود ۸۰۰۰۰ روس را، که به فرقه مالاکان معروف بودند، روانه مناطق مختلف جنوب قفقاز کرد اما آنان به علت اعتقادات مذهبی‌شان در روستای واقارشاباد ساکن نشدند. عباس میرزا، که از عواقب زیان‌بار این مهاجرت بزرگ مطلع بود، برای انصراف ارمنیان بسیار کوشید. حتی، تعدادی از دیرهای آنان، از جمله قره کلیسا و استپانوس مقدس را مرمت کرد و برای انتقال مرکز دینی ارمنیان از دیر اچمیادزین به قره کلیسا اقداماتی صورت داد. با درگذشت عباس میرزا تلاش‌های

۲۴. دره‌هانیان، تاریخ جلفای اصفهان، ترجمه لئون میناسیان و محمدعلی موسوی فریدنی، ۳۰۴.

۲۵. دانشنامه ارمنستان مسیحی، ۱۱۴/۳.

۲۶. اورسول، سفرنامه قفقاز و ایران، ترجمه علی اصغر سعید، ۱۱.

۲۷. سرکیسیان، «سکونت مجدد ارمنیان ایران توسط حکومت روسیه در ۱۸۲۸م، اچمیادزین»، ۲۴۱.

## ۲- باور ارامنه در ساخت اچمیدازین

این بنای مذهبی دارای معماری خاصی است که مختص اماکن مسیحی است. به گزارش اورسول «ساختمان کلیسا به سبک معماری معمولی بیزانسی است، به جز گنبد آنکه به شکل مخروطی بلند است. بالای پنجره لوحی سنگی است که با مجسمه‌های قدیسان تزئین شده است. سر بزرگ آن از سنگ مرمر قرمز تراشیده شده است که بسیار شبیه همان لوح است. آن سوی دیوار کلیسا در سمت راست مقبره گروهان مکدونالد، سفیر کمپانی هند در ایران (۱۸۳۰ میلادی) [۱۲۴۶ هجری قمری] است که در تبریز درگذشت.»<sup>۲۹</sup> دلیل دیگری که بر قداست کلیسا می‌افزاید این است که یکی از بزرگترین و مهم‌ترین معابد پس از بیت‌المقدس است.<sup>۳۰</sup> اوچ کلیسا به لحاظ زیبایی بصری درونی بسیار شگفت‌انگیز و دارای تزیینات خاصی است که زیبایی‌اش دو چندان می‌کند. به نوشته اورسول «روی دیوارهای داخل کلیسا نقاشی‌های غم‌انگیزی بود و کشیش راهنمای ما گفت که این کار شاگردان رافائل<sup>۳۱</sup> است». ارامنه خود باور دیگری برای ساخت اوچ کلیسا دارند که در شرح سفر شاردن تشریح شده است. به نوشته شاردن «همچنین ارامنه بر این باورند که عیسی مسیح نقشه کلیسای «اکس میازین» را با نوری که از آن نشأت می‌گیرد ترسیم کرد و به سن گرگوار مقدس دستور داد تا کلیسا را طبق همان نقشه بسازد، سپس زمین را در محلی قرار دادند که سنگ قرار داده شد و عیسی تمام شیاطین و ارواح شیطانی را که در معبد ارمنی بودند و سحر می‌کردند به داخل گودال انداخت. سن گرگوار فوراً نقطه‌ای را برداشت که دهان باز زمین توسط یک تکه سنگ مرمر بسته شده بود. می‌گویند شاه عباس کبیر سنگ مرمر بزرگ را با خود به اصفهان برد و در خزانه سلطنتی نهاد و این سنگ بزرگ را جایگزین آن کرد. زمانی که در اصفهان بودم با درباریان و خزانه‌داران و همه کسانی که فکر می‌کردم در این مورد آگاهی دارند، با علاقه صحبت می‌کردم، اما نتیجه‌ای نداشت. در سنت مذهبی ارامنه داستان دیگری از مرکز این کلیسا وجود دارد که در آن سنگ بزرگی وجود دارد، هر چند افسانه است، به آن اشاره می‌کنم. راهبان ارمنی می‌گویند در وسط این کلیسا همان مکانی است که حضرت نوح محراب و مذبحی را که ذکرش در هشتمین فصل سفر پیدایش آمده، بنا کرد و در آن مراسم قربانی به جا آورد.»<sup>۳۲</sup>

۲۸. هوسپیان، «دیر تادئوس مقدس»، ۱۵.

۲۹. اورسول، سفرنامه قفقاز و ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، ۱۱۹.

۳۰. جهانگیر میرزا، تاریخ نو (شامل حوادث دوره قاجاریه) از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ قمری، ۲۶.

۳۱. نقاش معروف ایتالیایی (۱۴۸۳-۱۵۲۰م).

۳۲. شاردن، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ۴۰۸/۱.



ارامنه آن را «اچمیازین»<sup>۳۳</sup> یعنی «یگانه پسر» گویند. به گزارش منابع این کلیسا در سال ۳۰۰ پس از میلاد ساخته شده و معروف است که وقتی کلیسا ساخته شد، زمانی که دیوارهای آن به قد یک انسان رسید، شیطان آن‌ها را در طول شب شکست و کارگران مجبور به بازسازی تا صبح شدند تا اینکه شیطان از تخریب آن دست کشید و کلیسا را تخریب کرد. این کلیسا «سن ژورژ» نام نهادند، زیرا ارامنه «سن ژورژ»<sup>۳۴</sup> را بسیار ارج می‌نهند. در میان ارامنه «اچمیادزین» با عنوان «اشت زمیازی» نیز معروف و متداول بوده است. «در ده فاصله از ایروان، تفلیس، در کنار دریاچه شیرین، جایی که رودخانه «زنگی چای» سرچشمه می‌گیرد، قرار دارد. دریاچه ماهی قزل آلا را به اندازه یک ذرع دیده است. جزیره‌ای در وسط دریاچه وجود دارد که در آن کلیسایی وجود دارد که قدمت نهصد سال دارد. یک کلیسای معروف «اوج - کلیسا» که ارامنه آن را «اشت زمیازی» می‌نامند در دو فرسخی ایروان است». به نقل شاردن در میان کتاب‌های این کلیسا کتابی وجود دارد که نام قدیمی شهر ایروان «وقار شاپاط» بود. «واقار» اسم یکی از سلاطین ارمنی و «شاپاط» در زبان ارمنی به معنی شهر است.<sup>۳۵</sup>

### ۳- تاریخچه عنوان اچمیادزین

واژه اجمیاتسین (به ارمنی Աջմիածին) شامل دو بخش اِج (էջ) و میاتسین (միածին) است. اِج به معنی فرود آمدن و نزول است<sup>۳۶</sup> و میاتسین به معنی فرزند یگانه یا یگانه‌زاد (لقب عیسیای مسیح) است.<sup>۳۷</sup> در جمع به معنی «فرود آمدن یگانه‌زاد» و «نزول حضرت مسیح» است. آگاتانگوس مورخ ارمنی قرن ۵ میلادی می‌نویسد گریگور روشنگر، بنیان‌گذار مسیحیت در ارمنستان، در خواب دید که حضرت مسیح از آسمان به شهر واغارشابات یا بلاش آباد، پایتخت ارمنستان فرود آمد و با دست جایی را نشان داد که در آن کلیسا برپا شود. در همان جا بود که کلیسای جامع ارمنستان در سال‌های ۳۰۱-۳۰۳ میلادی ساخته شد.<sup>۳۸</sup> این کلیسا در آغاز «کلیسای کاتولیکه»، «کلیسای مادر» و «کلیسای جامع» نام‌گذاری شد، اما در قرون بعدی بر اساس رویداد مربوط به نزول حضرت مسیح در آن محل کلیسای اجمیاتسین نام گرفت. بنابراین این نام در ادبیات ارمنی نخست به صورت دو واژه جداگانه اِج میاتسین به

33. Eghmiasen.

34. Saint Georges.

۳۵. این شهر فعلاً پایتخت ارمنستان شوروی است.

۳۶. غازاریان، واژه نامه ارمنی کهن، ۴۵۶.

۳۷. همان، ۱۸۲.

۳۸. دانشنامه ارمنستان مسیحی، ۳۶۶-۳۶۷.

کار رفت که اشاره به نزول حضرت مسیح در آن مکان دارد. ساهاک سوم رهبر دینی ارمنستان در اواخر قرن ۷ میلادی در سرودی مذهبی از اج میاتسین سخن می‌گوید و می‌نویسد: یگانه‌زاد نازل شد از سوی پدر و بر ما نور افشاند.<sup>۳۹</sup>

شکل چسبیده اج میاتسین یعنی اجمیاتسین که تبدیل به نام خاص شده بود، نخستین بار در سده‌های ۱۴-۱۵ م دیده شده و برای نامیدن شهر واغارشابات و کلیسای جامع آن به کار رفته است. یکی از قدیمی‌ترین مورخانی که نام اجمیاتسین (به صورت چسبیده) را آورده است، توما متسوپتسی (قرن ۱۵ میلادی) است.<sup>۴۰</sup> بنابراین در ادبیات ارمنی مسیحی واژگان اج میاتسین (جدا از یکدیگر) نخست برای اشاره به نزول حضرت مسیح در خوابی که گریگور قدیس دیده بود پدیدار شد، سپس از قرن چهاردهم یا پانزدهم میلادی نام اجمیاتسین (به صورت چسبیده) رواج یافت و شهر واغارشابات و کلیسای جامع آن اجمیاتسین نامیده شد.

در مورد عنوان کلیسای اوچ یا اچمیادزین نظرات مختلفی وجود دارد. کلیسای اوچ، سه کلیسا، نام مکانی است در دو فرسخی ایروان که در آن سه کلیسا در کنار هم قرار گرفته‌اند و یکی از مکان‌های مبارک در میان ارامنه است و گفته می‌شود در زمان مسیح بوده است، به یکی ظاهر گردید. از میان این سه کلیسا که تقریباً در کنار هم قرار دارند، کلیسای میانی «بزرگ‌ترین است و سقف و دیوارهای آن تماماً سنگی است».<sup>۴۱</sup> مادام دیولافوا در سفرنامه کولدا و شوش شرح مفصلی از این مکان نوشته است.<sup>۴۲</sup> اوچ کلیسا توسط گریگور مقدس بنا نهاده شده است. از آنجایی که این سه کلیسا در نزدیکی یکدیگر قرار دارند، به اوچ کلیسا (سه کلیسا) معروف است. دو دلیل برای نام‌گذاری اچمیادزین روایت شده است که یک روایت دینی است که اچمیادزین را که به معنای «تنها فرزند نازل شده از آسمان» می‌داند. بر اساس داستان‌ها و افسانه‌ها دو دوشیزه باکره برای رهایی از چنگال عشق کفرآمیز دیوکلسین<sup>۴۳</sup> از رم فرار کرده بودند تا در گوشه‌ای از ارمنستان معتکف شوند «در آن روزگار، تیرداد<sup>۴۴</sup> بر این سرزمین حکومت می‌کرد و با یک دل نه

۳۹. همان، ۸۷۸.

۴۰. متسوپتسی، تاریخنگاری، ۲۱۸.

۴۱. ر. لک: اعتمادی، گنج دانش، ۱۱۱۲.

۴۲. خاوری شیرازی، تاریخ ذوالقرنین، ۲۰۱.

۴۳. دیوکلسین (Diocletien) یا به قول قدما دیو قلیتیانوس امپراتور روم (۲۴۸-۳۰۵ م) آن قدر از مسیحیان را کشته است که سال‌های آخر سلطنت وی را به نام عصر شهیدان نام نهاده‌اند.

۴۴. اگر افسانه بالا را با توجه به وقایع منظم تاریخی ساخته باشند، نباید تیرداد (Tiri Dates) مورد اشاره را با تیرداد اول و دوم اشکانی که اولی پیش از میلاد مسیح، و تیرداد سوم، در سال ۳۶ بعد از میلاد، شاهنشاه ایران زمین از جمله ارمنستان بودند، اشتباه کرد. بلکه ظاهراً منظور تیرداد سوم پادشاه ارمنستان است که در قرن چهارم میلادی می‌زیسته و هم‌زمان با امپراتور دیوکلسین در آن خطه سلطنت می‌کرده است.

صد دل عاشق آن‌ها شد و تمام تلاش خود را کرد تا دل آن‌ها را به هر وسیله ممکن حتی با توسل به زور و خشونت به دست آورد، اما او کاری نکرد و عاقبت به پایان رسید. این عشق به رسوایی می‌انجامد و آن‌گونه که شایسته او بود، به جرم رفتاری دور از حیا و نجابت مجازات می‌شود: یک روز ناگهان همه دیدند که تیرداد تبدیل به خوک شده است.<sup>۴۵</sup> پس از این ماجرای مفتضحانه سروش غیبی به خواهر شاه، اطلاع می‌دهد که برادرش تیرداد بی‌دین است و گرگوریوس را به جرم دعوت مردم به دین مسیحیت به چاه انداخته است. خواهر گرگوریوس را از چاه بیرون می‌آورد. مرد روحانی چند قطره آب مقدس بر تیرداد می‌پاشد و او را به حالت اولیه باز می‌گرداند و از آن زندان عجیب نجات می‌دهد. این بار پادشاه ظالم بدون تردید به دین جدید ایمان آورد و حتی یکی از معتقدان سرسخت آن شد. مردم با گرایش به مسیحیت - دین پادشاه خود - دین جدید را می‌پذیرند و گرگوریوس قدیس به‌عنوان اسقف اعظم کل ارمنستان انتخاب می‌شود و دستور می‌دهد که کلیسای اچمیادزین را که به معنای «تنها فرزند نازل شده از آسمان» است و محل آن را حضرت عیسی شخصاً به او نشان داده بود، بسازند.<sup>۴۶</sup> به نوشته شاردن «دو کلیسای نزدیک اکس میازین یکی سنت کثان<sup>۴۷</sup> و دیگر سنت رپسیم<sup>۴۸</sup> نام آن‌ها از دو باکره رومی گرفته شده است که در جریان نهمین دور آزار و شکنجه مذهبی به ارمنستان گریختند. این دو قدیس در همان نقطه‌ای که کلیسای فوق ساخته شده بود به شهادت رسیدند. کلیسای سنت کین در سمت راست دره هفتصد قدم و کلیسای سنت رپسیم دو هزار قدم در سمت چپ آن قرار دارد. هر دو این کلیساها نیمه ویران هستند. در قلمرو ایروان که از هر جهت بیست مایل عرض دارد، بیست و سه صومعه مردانه و پنج صومعه زنانه وجود دارد که همگی ضعیف اداره می‌شوند و هیچ کدام گنجایش بیش از پنج یا شش نفر را ندارند. به دلیل فقر شدید بیشتر وقت خود را صرف امرار معاش می‌کنند و فقط در ایام مبارک به انجام مراسم مذهبی می‌پردازند».<sup>۴۹</sup>

عنوان اچمیادزین به صورت‌های مختلف نوشته شده است. با توجه به گزارش‌های تاریخی اچمیادزین به‌صورت «شمیازین» نوشته شده است. به‌عنوان نمونه می‌توان به این مورد اشاره کرد که «وزارت امور خارجه، امروز وزارت جنگ را وی خبر داد که شیخ عبدالقادر فرزند شیخ عبیدالله از طریق خانواده خود «شمیازین» [اچمیادزین] به آن مرحله رسیده است. او هم قرار است وارد شود. علاوه بر این، «۶۰۰ نفر از

۴۵. اورسول، سفرنامه قفقاز و ایران، ترجمه علی اصغر سعید، ۱۱۸.

۴۶. اورسول، سفرنامه قفقاز و ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، ۱۱۸.

47. Sainte caiane.

۴۸. اسقف کومیتاس (Comitas) کلیسای سنت رپسیم (Sainte repsime) را در سال ۶۱۸ بنا کرد و اسقف فیلیپوس در سال ۱۶۵۳ آن را ترمیم کرد و جلو خان سر پوشیده‌ای بر آن افزود.

۴۹. شاردن، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ۴۱۰.

سپاه عثمانی از راوندوز به شمیازین و اطراف آمده‌اند و از راوندوز ارتش انگلیس به آنجا رفته است.<sup>۵۰</sup> همچنین در منابع با عنوان «اوج میادزین» نیز بیان شده است. [عوج ك لی سا] (اسم خاص) نام کلیسای معروفی است به ایروان که در ۲۷۸ ورستی تفلیس قرار دارد.<sup>۵۱</sup> اما ترک‌ها هنگام اطلاق به «اچمیادزین» از عنوان «اوج کلیسا» استفاده می‌کردند. به نوشته تکتاندرفون دریابل «ایروان یکصد و پنجاه میل آلمانی با تبریز فاصله دارد. شهریست بسیار مستحکم که در زمینی خوش آب و هوا و حاصلخیز واقع شده است. سه مایل دورتر از آنجا سه کلیسا با چند قرن قدمت وجود دارد. دو تا نیمه ویران است و سومی که مهم‌ترین است و ترک‌ها اوج کلیسا نامیده‌اند سالم است. قبلاً تعداد زیادی از زائران از آن بازدید می‌کردند. اکنون تعداد زیادی راهبان و کشیشان یونانی وجود دارند که خود را مسیحی می‌دانند. اعلیحضرت شاه به من اجازه داد که صومعه را در آنجا بینم و او با تعدادی از نگهبانانش مرا همراهی کرد. وقتی رسیدم آرامنه از من استقبال سلطنتی کردند. ابتدا مرا به داخل کلیسا برد و دستی خشک شده را در قالبی طلایی به من نشان داد و از طریق مترجم به من گفت که دست راست قدیس گرگور نازیانزه است که جسد او در آنجا دفن شده است. این کلیسا به خوبی از سنگ تراشیده ساخته شده و دارای سقفی زیبا با سوراخ مدور در وسط است. در اینجا هیچ تصویر، مجسمه و تمثال مقدسی وجود ندارد و از اینکه چرا می‌گویند این چیزها آنجا بوده است، اما اکنون ترک‌ها توان خرید زنگ و تصویر، مجسمه و تصویر را ندارند.<sup>۵۲</sup>

#### ۴- دلیل ترک‌ها برای نام‌گذاری اچمیادزین به اوج کلیسا

دلیل آنکه ترک‌ها به اچمیادزین عنوان اوج کلیسا را نهادند، وجود سه دیر در نزدیکی هم به طوری که به فاصله ۱۳۰۰ متری شرق دیر دو کلیسا است که با کلیسای دیر از دور منظره‌ای بسیار زیبا را متصور می‌نمایند. «اچمیادزین<sup>۵۳</sup> و آگارشاپات<sup>۵۴</sup> در دره رود ارس در غرب ایروان در بخش مرکزی جمهوری سوسیالیستی شوروی ارمنستان واقع شده است. در قرن ششم قبل از میلاد وجود داشته است. این شهر از سال ۱۸۴ تا ۳۴۴ میلادی پایتخت ارمنستان بوده است. کلیسای معروف ارمنی در این منطقه توسط گرگوری قدیس در سال ۳۰۲ پس از میلاد تأسیس شد و دارای کتابخانه‌ای ارزشمند از ادبیات ارمنی است. نمای داخلی کلیسا با چهره‌های برجسته ایرانی تزیین شده است. در عین حال روغن مقدس مورد استفاده در کلیساهای

۵۰. فراهانی، روز شمار تاریخ معاصر ایران، ۲۱۷.

۵۱. جغرافیای قفقاز، نسخه خطی کتابخانه ملی، ش. ۲.

۵۲. دریابل، ایتروسیکوم گزارش سفراتی به دربار شاه عباس اول، ترجمه محمود تفضلی، ۶۳.

53. Echmiadzin.

54. Vagarapat.

ارمنی هر هفت سال یکبار تهیه می‌شود. در ۱۳۰۰ متری شرق دره دو کلیسا وجود دارد که چشم‌اندازهای جالبی از کلیساهای دره در دوردست دارند. و نام [ترکی سه کلیسا]<sup>۵۵</sup> که ترک‌ها به صومعه اچمیادزین داده‌اند از اینجا آمده است. در سال ۱۲۱۹ میلادی بین عباس میرزا ولیعهد و سیسیانوف جنگی در گرفت که به جنگ اچمیادزین معروف است در يك جا آن را «اکس میازین» می‌گویند که به معنای تن و سبتر است. به نوشته شاردن «در فاصله دو فرسنگی ایروان صومعه‌هایی با سه کلیسا وجود دارند که مقدس‌ترین کلیساهای ارمنه مسیحی به شمار می‌روند. ارمنی‌ها آن را اکس میازین<sup>۵۶</sup> می‌گویند؛ به معنای فرود مولود یگانه است. مردم آنجا معتقدند که این نام را به این کلیسا داده‌اند، زیرا به وضوح دیده شده که عیسی مسیح به دلیل «گرگوار» که اولین اسقف بزرگ این صومعه بود از آسمان فرود آمده است. اما مسلمانان به آن دیه اوچ کلیسا می‌گویند که به معنای سه کلیسا است. کلیسای اصلی اکس میازین<sup>۵۷</sup> نام دارد و بسیار محکم و استوار است. این بنا از تخته‌های سنگی عظیم ساخته شده است که هر یک از ستون‌های مربعی آن هفتاد و دو فوت ارتفاع دارد و همه از سنگ‌های بسیار بزرگ ساخته شده است. فضای داخلی ساختمان فاقد نقاشی و مجسمه بوده و تاریک است»<sup>۵۸</sup>.

## ۵- اچمیادزین از دیدگاه سفرنامه‌نویسان

در سفرنامه الکسیس سولتیکف «اچمیادزین» با عنوان «اوچ میازین» نوشته شده است. سولتیکف در سفرنامه‌اش نوشته است: «وقتی به ایروان کاملاً نزدیک شدم در هر دو طرف دیوارهایی برآورده از گل و خشت مشاهده کردم. در پس این دیوارها خانه‌هایی بدنما، باغ‌هایی رهانشده و بی‌باغبان. درختان سپیدار نیمه‌خشک دیده می‌شد. روزی به تماشای کلیسا اوچ میازین واقع در چهار فرسنگ و نیمی شهر رفتم. عامه بر این اعتقادند که این کلیسا در سال ۳۰۳ میلادی ساخته شده است»<sup>۵۹</sup>. در برخی منابع به «اچمیادزین» به دلیل آنکه مقر کشیش بزرگ ارمنه بوده عنوان «ایچ میازین» اطلاق گردیده است. به نوشته کوتزبویه «از مشاهده کلیسا دل‌های ما در دولت اسلامی آرام شد - این کلیسا قبلاً مقر کشیش ارمنی بوده و مانند چوپان از گوسفندان خود در برابر حمله گرگ محافظت می‌کند - ایچ میازین نام دارد و از ۱۵۰۰ سال پیش ساخته

55. Uçkelisa.

56. Ecs miazin.

57. X-Miajin.

۵۸. شاردن، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ۴۰۷.

۵۹. شاردن، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ۱۸۷۶.

شده است. در این دوره در برابر حوادث و انقلاب‌ها مقاومت کرده‌اند».<sup>۶۰</sup> در منابع دیگر نام آن «اوج میازین یعنی شناخته شده و گفته می‌شود که این کلیسا ثروت زیادی از همه نوع جمع کرده است، به این جهت دایما گروه‌هایی از بدکاره‌های نیم‌وحشی را به سوی خود جلب می‌نمود. قلعه‌های کوچکی بوده و هستند که توسط برج کنگره احاطه شده و سکوهایی برای محافظت از آن‌ها ساخته شده‌اند. «آن‌ها بر روی دیوارها سکوهایی می‌سازند و سوراخ‌هایی در آن‌ها ایجاد می‌کنند تا مدافعان بتوانند از آنجا به محاصره کنندگان شلیک کنند. امروزه این حملات همچنان توسط کردها در مرزها، به‌ویژه مرزهای ارمنستان انجام می‌شود. در اینجا راهزنان کرد اغلب روستاییان را غافلگیر می‌کنند و حتی زیارتگاه معروف اوج میازین نیز مورد حمله قرار گرفته است. این صومعه دارای کلیسایی است که قدمت آن به بیش از ۱۵۶۰ سال می‌رسد».<sup>۶۱</sup> به نوشته دروویل «در این کلیسا ثروت زیادی از انواع و اقسام انباشته شده است، به همین دلیل همیشه گروه‌هایی از اشرار نیمه وحشی را به خود جذب می‌کند، اما هر بار دزدان با شجاعت توسط اعضای کلیسا دفع می‌شوند. در چنین مواقعی از بالای تمام دیوارها که تاج‌هایشان مانند قلعه‌هایی با کنگره است به سوی مهاجمان شلیک می‌کنند و مرتب تماشا می‌کنند تا غافلگیر نشوند».<sup>۶۲</sup> به نوشته فورویه «این کلیسای قدیمی که در قرن چهارم پس از میلاد ساخته شده است با حصارها و برج‌هایش از بیرون شبیه قلعه نیست و به‌ویژه برای مقاومت در برابر حملات مهاجمان ساخته شده است. دزدهای مسلمان حریص گنج را در آنجا متوقف کرده‌اند».<sup>۶۳</sup> سالتیکوف<sup>۶۴</sup> روسی مشاهدات خود از کلیسا را این‌گونه توصیف می‌کند: «وضعیت آن ساختمان بسیار عجیب به نظر می‌رسید. دیوارهای همگی کنده‌کاری شده و خطوط عجیبی بود. کشیش اینجا که یک پیر مرد سنتی بود، مقداری پنیر بز، پنیر گاومیش، شراب و غذاهای دیگر برای ما آماده کرد. ناهار می‌خوریم و از آنجا برمی‌گردیم به منزل نمودیم».<sup>۶۵</sup>

۶۰. کوتزیو، مسافرت به ایران به‌معت سفیر کبیر روسیه در سال ۱۸۱۷، ۶۲.

۶۱. یکی از راهب‌های این صومعه که بعداً در سن پترزبورگ ملاقات کردم، با اطمینان خاطر گفت که اساس آن در سال ۳۰۷ پس از میلاد به رهبری گرگوار کبیر مقدس گذاشته شد، در صورتی که این یک اشتهای تاریخی بود، زیرا پاپ گرگوار در سال ۶۰۴ درگذشت. بدون شک ساخت این بنای باشکوه در تاریخ معاصر پایان مشخصی داشته است. دیوارهای ضخیم آن از بلوک‌های بزرگ سنگ خاردار سیاه ساخته شده است که درزهای بین آن‌ها به سختی قابل مشاهده است و ظاهراً از خرابی‌های این زمان جان سالم به در برده است. گنبد کلیسا و دو برج کوچک بر فراز سردر بسیار دیرتر ساخته شد.

۶۲. دروویل، سفر در ایران، ۷۶.

۶۳. فورویه، سه سال در دربار ایران از ۱۳۰۶-۱۳۰۹ قمری، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، ۴۳.

۶۴. سالتیکوف در سال ۱۸۳۸ میلادی از این مکان دیدن کرد. این بنا در سال ۳۰۳ پس از میلاد ساخته شد.

۶۵. آبراهام کرتی «Abraham de Crete» کشیش معروف اوج کلیسا آمدن نادر را به اوج کلیسا و رفتاری که نسبت به کلیسا کرد و ۴۵۰ روپل روسی که به کلیسا و خلیفه داد به‌تفصیل شرح می‌دهد. رک: کرتاتسی، آبراهام. تاریخ من و نادر، پادشاه ایران، ترجمه جورج آ. بورنوتیان و فاطمه اروجی. تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۹۷ش؛ سفرنامه سالتیکوف نسخه خطی کتابخانه ملی به شماره ۱۷۳۲.

## ۶- اچمیادزین از دیدگاه شاهان قاجار

بررسی تحولات تاریخی و اسناد و مدارک به خوبی گواه آن است که سیاست اصولی دولت قاجار حمایت جدی و مستمر از اچمیادزین و مردم ارمنی تحت حکومت خود بود. به طوری که در باب عدم اجبار ارامنه به تغییر کیش از مسیحیت به اسلام توسط مسلمانان و عدم تعرض به آیین و مناسک مذهبی آن‌ها فرامین مهمی صادر کردند. در این باره به عنوان نمونه می‌توان به این مورد اشاره کرد: «عالیجاه خلیفه داود بدانند که از دیوان اعلی مقرر است که در اوجاق مذکور و در قریه‌ها و مزارع مسکونه ارامنه به طریق سابق در باب ناقوس کشیدن و تخته زدن و بانگ گفتن و مرده برداشتن کسی از اهل اسلام مانع و متعرض ایشان نشود که به آیین و قوانین خود امور مذکوره را به تقدیم رسانند و املاک و مزارع و باغات ایتبائی و موقوفه اوجاق اوج کلیسا بدون امر و نهی و اذن و مرخص آن عالیجاه کسی دخل و تصرف ننماید و چنانچه از جماعت مسلمانان کسی ادعائی داشته باشد بدون فرمان جهان مطاع ادعا ننماید و ارامنه را جماعت مسلمان ماذون و مرخص نمی‌باشد که جبرا و قهرا به دایره اسلام بیاورند».<sup>۶۶</sup>

همچنین شاهان قاجار تأکید داشتند که اگر کسی در مورد دین و آیین مسیحیت سوالاتی دارد باید به نزد علمای اچمیادزین برود و با آن‌ها سخن بگوید و برای جلوگیری از تصرف کردن اموال ملت ارامنه توسط مسلمانان نیز فرامینی به حکام و والیان مناطق صادر کرده بودند. در این باره به عنوان نمونه می‌توان به این مورد اشاره کرد: «عالیجاه خلیفه اپرم بدانند که چون اختیار ارامنه اینطرف در ظل عاطفت شاهنشاهی آسوده‌اند در کف کفایت ماست و محافظت از دین و ناموس آن‌ها بر ما لازم است لهذا بانعالیجاه مقرر می‌گردد که ارامنه اینحدود را موافق شریعت حضرت عیسی که در دست آنعالیجاه و الی حال به همان طریق رفتار می‌کرده‌اند نگاه داشته، آن‌ها را از تصرفات ملت نصاری ممنوع دارد و اگر کسی را در دین و آیین آن‌ها سخن باشد می‌باید نزد آنعالیجاه آمده با آنعالیجاه و علمای ملت مسیح مباحثه نماید و جواب خود بشنود می‌باید در این باب به نحو معمول و مرتب دارد».<sup>۶۷</sup>

شاهان قاجار با توجه به قوانین داخلی ارامنه مقرر کرده بودند تا سلسله مراتب داخلی در زمینه تعیین بزرگ و کوچک، نجیب و غیرنجیب موقوف به تشخیص خلیفه باشد و تعیین مراتب در میان ارامنه فقط بر عهده خلیفه اوج کلیسا باشد و تمامی ارامنه تابع این امر ملوکانه باشند. در این باره به عنوان نمونه می‌توان به این مورد اشاره کرد: «عالیجاه خلیفه اپرم بدانند که عریضه ارادت فریضه آنعالیجاه ملحوظ نظر بر رای مهر ضیاء ظاهر و هویدا گردید این که عرض کرده بود که فی ما بین ملت نصاری تعیین بزرگ و کوچک و نجیب

۶۶. ماتاداران، اسناد خطی مجموعه مانشوتوس مقدس، پ، ۱، ج، ۱، ش، ۸. سند مورخ ربیع الاول ۱۲۱۹ق.

۶۷. ماتاداران، اسناد خطی مجموعه مانشوتوس مقدس، پ، ۱، ج، ۱، ش، ۶۸. سند مورخ ربیع الاول ۱۲۳۶ق.

و غیرنجیب موقوف به تشخیص و تعیین آنعالیجاه باشد و بزرگان و نجباء را فی مابین ملت مزبوره محترم شمارند محض مرحمت به آنعالیجاه استدعای آنعالیجاه را مقرون به بانجاح فرموده رقم مطاع لازم الاتباع بافتخار عالیجاه امیر الامرالاعظام حسین خان سردار بیگریگی ایروان شرف صدور یافت که نجبای ملت مزبوره را موقوف به تشخیص و تعیین آنعالیجاه داند و قدغن لازمه نماید که هر که را آنعالیجاه محترم شمارد حرمت او را لازم شمارد».<sup>۶۸</sup>

در احکام فرامین شاهان قاجار تقدم عنوان «اچمیادزین» بر این معبد مورد تأکید قرار گرفته و عنوان «اوج کلیسا» را عنوان آخری ذکر گردیده که بعدها به این معبد مقدس اطلاق گردیده است. در واقع عنوان «اچمیادزین» که در میان ارامنه رایج و متداول بوده است نیز مورد تأکید دولت قاجار بوده است و این نشان می‌دهد که عنوان اصلی معبد مقدس همان «اچمیادزین» است. در این باره به‌عنوان نمونه می‌توان به این مورد اشاره کرد: «حکم والا شد آنکه خداوند دانا که بلند ایوان خلافت را کاه به فر کوه مهراسای ذات مسیح مزین و گاه به فروغ تاج عرش فرسای صاحب معراج روشن داشته چون رواق خلافت آئین اوجاق کردن انطباق را که مورد فیوضات ابد و مدار شوکت موید سلطنت موبد است به نیابت و ولایت ما محکم نموده و احکام بهیة ما را تالی اوامر علیه پادشاهی لازالت نافذه در اقطار ممالک بسیطه نافذ و مسلم فرموده است با شکر این نعمت سانیع و منت سانع ثبت نیت علیا کرده‌ایم که چنانکه عنایات پادشاهی آفتاب وار جود فیض و حمایت سانع بر همکان شایع دارد ما نیز پرتو آن نور و جلوه ان ظهور و تجلی ان طوریم باشاعه فیض عام و اشاعه لطف تمام قریب و بعید وضع و شریف مسلم و ترسا را در حومه حمایت محذور آوریم در مسجد و کلیسا که مقصود از هر دو یکی است عابد و ترسا طریق دعا پویند و در پنهان و پیدا که نظر حق بین هر دو یکی است زاهد و راهب رسم ثنا جویند علی هذه المراتب رواج اوجاق و معبد ایجمیادزین را که بعبارة اخری اوج کلیسا گویند و از دیرگاه مقصد طوایف ارامنه سکنه هفت اقلیم می‌باشد».<sup>۶۹</sup>

## نتیجه گیری

اچمیادزین، به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین کلیساهای جهان و مرکز مذهبی ارامنه، نقش بسیار مهمی در تاریخ و فرهنگ ارامنه و همچنین در تعامل با حکومت‌ها داشته است. این کلیسا نه تنها به‌عنوان یک مکان عبادت بلکه به‌عنوان نماد هویت ملی و فرهنگی ارامنه مطرح بوده است. در طول تاریخ، دولت‌ها و

۶۸. ماتاداران، اسناد خطی مجموعه مانشوتوس مقدس، پ ۱، ج ۱، ش ۳۶. سند مورخ ربیع الاول ۱۲۲۷ق.

۶۹. ماتاداران، اسناد خطی مجموعه مانشوتوس مقدس، ج ۱، ش ۱۲. سند مورخ ربیع الاول ۱۲۲۵ق.



حکومت‌های مختلفی بر سرزمین ارمنستان حاکم بوده‌اند. هر یک از حکومت‌ها تأثیراتی بر روی اچمیادزین و جایگاه آن در جامعه داشتند. در ادوار مختلف تاریخی، این کلیسا به‌عنوان مرکز سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عمل کرده و توانسته است نقش مهمی در حفظ هویت ارمنی‌ها ایفا کند. در دوره‌هایی که آرامنه تحت فشارهای سیاسی یا نظامی قرار داشتند، اچمیادزین به‌عنوان پناهگاهی برای حفظ فرهنگ و مذهب ارمنی‌ها بود. اچمیادزین همچنین به‌عنوان نماد وحدت و همبستگی میان مردم ارمنستان شناخته می‌شود. در مواقعی که جامعه ارمنی با چالش‌های داخلی یا خارجی مواجه می‌گردید، این کلیسا توانست به‌عنوان یک مرکز برای همفکری و سازماندهی عمل کند. مراسم‌های مذهبی و فرهنگی که در این مکان برگزار می‌گردید، نه تنها جنبه‌های مذهبی بلکه ابعاد اجتماعی و ملی را نیز در بر می‌گرفت. بنابراین، اچمیادزین نه تنها یک مکان مذهبی بلکه یک نماد فرهنگی و ملی برای آرامنه بود. این کلیسا به‌عنوان یک نهاد مستقل مذهبی، توانست در برابر تغییرات سیاسی و اجتماعی مقاومت کند و همچنان جایگاه خود را در میان جامعه آرامنه و حکومت‌های وقت حفظ نماید. نقش آن در تاریخ ارمنستان نشان‌دهنده ارتباط عمیق میان مذهب، فرهنگ و هویت ملی آرامنه بود. کارکرد و نقش اچمیادزین در تنظیم روابط میان آرامنه و دولت قاجار به‌عنوان یک نقش پیونددهنده و هماهنگ‌کننده بود. به‌طوری‌که این نقش و کارکرد اچمیادزین باعث گردیده بود که مردم ارمنی ساکن در قلمرو جغرافیایی دولت قاجار در کنار مردم مسلمان ایران در یک همزیستی با عقاید و آراء و مناسک متفاوت زندگی کنند. اچمیادزین به‌عنوان یک نهاد بزرگ دینی و اجتماعی، نقطه عطفی در نگاه شاهان قاجار نسبت به آرامنه در ایران به وجود آورد. اچمیادزین توانست با رویکردهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود، زمینه تعامل میان مسلمانان و آرامنه مسیحی و همچنین ارتقاء سطح زندگی اجتماعی آن‌ها را فراهم آورد. ساخت چندین کلیسا در نواحی مختلف، نبود اجبار برای تغییر مذهب و نیز حمایت کارگزاران قاجار از کلیسای جامع اچمیادزین، گواه روشنی از رویکرد و عمل‌گرایی دولت قاجار در تعامل با آرامنه بوده است.

### فهرست منابع

اعتمادی، بابک. گنج دانش. تهران: پیام عدالت، ۱۳۹۷ ش.  
اعرابی هاشمی، شکوه السادات. «نقش آرامنه در تجارت خارجی صفویه»، پیمان، سال چهارم، ش. ۱۱ و ۱۲ (بهار و تابستان ۱۳۷۹): ۲۵-۳۷.

اروجی، فاطمه. «مناسبات عباس میرزا با کلیسای اچمیادزین با تکیه بر اسناد آرشیوی». تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، ش. ۲۸ (پاییز ۱۴۰۰): ۱-۳۰.

<https://doi.org/10.22034/jiiph.2021.43966.2159>

اورسول، ارنست. سفرنامه قفقاز و ایران. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.

پاپازیان، اچ. متن فرامین فارسی ماتناداران. ایروان: آکادمی علوم ارمنستان، ۱۹۵۶.

پطروشفسکی، پیگلوسکایا. تاریخ ایران. ترجمه کریم کشاورز. تهران، پیام، ۱۳۶۳ ش.

جهانگیر میرزا. تاریخ نو (شامل حوادث دوره قاجاریه) از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ قمری. به تصحیح عباس اقبال آشتیانی. تهران: علم، ۱۳۸۴ ش.

خاوری شیرازی، فضل الدین. تاریخ ذوالقرنین. به تصحیح ناصر افشار. تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰ ش. دانشنامه ارمنستان مسیحی. ایروان: نشر دانشنامه‌های ارمنی، ۲۰۰۲ م.

داوودخان، ماردوس. جغرافیای قفقاز. نسخه خطی کتابخانه ملی، ش. ۲. تهران: کتابخانه ملی، ۱۸۷۰ م.

دروهانیان، هاروتون. تاریخ جلفای اصفهان. ترجمه لئون میناسیان و محمدعلی موسوی فریدنی. اصفهان: زنده رود، ۱۳۷۹ ش.

در یابل، گنورگ تکناندرفون. ایتروسیکوم گزارش سفارتی به دربار شاه عباس اول. ترجمه محمود تفضلی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱ ش.

دروویل، گاسپار. سفر در ایران. تهران: شبوویز، ۱۳۷۰ ش.

راوندی، مرتضی. تاریخ اجتماعی ایران. تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۴ ش.

رائین، اسماعیل. ایرانیان ارمنی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶ ش.

رضایی، عبدالعظیم. گنجینه تاریخ ایران. تهران: اطلس، ۱۳۷۸ ش.

سالتیکوف، آلکسی دیمتری یویچ. مسافرت به ایران. ترجمه محسن صبا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱ ش.

سرکیسیان، نوریگ. «سکونت مجدد ارمنیان ایران توسط حکومت روسیه در ۱۸۲۸ م، اجمیادزین»، پیمان، سال بیست و دوم، ش. ۲ (۲۰۱۲): ۵۵-۶۹.

شاردن، ژان. سفرنامه شاردن. ترجمه اقبال یغمایی. تهران: توس، ۱۳۷۲ ش.

غازاریان، واژه نامه ارمنی کهن. ایروان، ۲۰۰۰ م.

فراهانی، حسن. روز شمار تاریخ معاصر ایران. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵ ش.

فووریه، ژوآنس. سه سال در دربار ایران از ۱۳۰۶-۱۳۰۹ قمری. ترجمه عباس اقبال آشتیانی. تهران: نشر علم، ۱۳۸۵ ش.

کرتاتسی، آبراهام. تاریخ من و نادر، پادشاه ایران. ترجمه جورج آ. بورنوتیان و فاطمه اروجی. تهران: کتابخانه

علم و دیگران؛ نگاهی به تاریخچه و تطول اچمیادزین و کارکرد آن در دوره حکومت قاجار بر .../۱۰۱

طهوری، ۱۳۹۷ش.

کوتزبویه، موریس دو. مسافرت به ایران به معیت سفیر کبیر روسیه در سال ۱۸۱۷. تهران: امیر کبیر، ۱۳۴۸ش.  
گوستیکیان، کریستینه، فرامین فارسی ماتناداران (۱۷۹۸-۱۸۲۹)، ایروان، ارمنستان، ج ۲۰، شماره های: ۸/۱،  
۱۲/۱، ۳۶/۱، ۶۸/۱.

متسوپتسی، توما. تاریخنگاری. به کوشش لئون خاچیکیان. ایروان: نشر ماگاقات، ۱۹۹۹م.  
میناسیان، سرگتی. «نقش ارامنه در ارتش ایران». ترجمه آناهید هوسپیان. پیمان، ش. ۱۸-۱۹ (زمستان و بهار  
۱۳۸۰): ۱۳۲-۱۳۹.

نوی، عبدالحسین. اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ق. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات  
فرهنگی، ۱۳۶۳ش.

هنوی، جونس. هجوم افغان و زوال دولت صفوی. ترجمه اسماعیل دولتشاهی. تهران: یزدان، ۱۳۶۷ش.  
هوسپیان، شاهن. «دیر تادئوس مقدس». پیمان، سال دوازدهم، ش ۶ (زمستان ۱۳۸۷): ۵-۳۷.  
هوسپیان، شاهن. «نگاهی به تاریخ شهر اجمیادزین». فصلنامه فرهنگی پیمان، ش. ۸۶ (زمستان ۱۳۹۶): ۱۸۱-  
۱۹۰.

#### Transliterated Bibliography

A'rabī Hāshimī, Shukuh al-Sādāt. "Naqsh Arāmanah dar Tijārat Khārijī Safavīyah". *Piymān*, yr. 4, no. 11-12 (spring and summer 2000/1379): 25-37.

Chardin, Jean. *Safarnāmah Chardin*. translated by Iqbāl Yāghmāyī. Tehran: Tūs, 1993/1372.

*Dānishnāmah Armanistān Masiḥī*. Irvān: Nashr Dānishnāmah-hā-yi Armanī, 2002/1422.

David Khanoff, Martirosse. *Jughrāfiyā-yi Qafqāz*. Nuskhah-yi Khaṭṭī Kitābkhānah-yi Millī, no. 2, Tehran: Kitābkhānah-yi Millī, 1870/1287.

Dir Huvhāniyān, Hārūtūn. *Tārikh Julfā-yi Isfahān*. translated by Li'ūn Mīnāsiyān va Muḥammad 'Alī Musavi Farīdanī. Isfahān: Zandah Rūd, 2000/1379.

Drouville, Gaspard. *Safār dar Irān*. Tehran: Shabāvīz, 1991/1370.

Farāhānī, Ḥasan. *Rūz Shumār Tārikh Mu'āṣir-i Irān*. Tehran: Mū'assisah-yi Muṭālī'āt va Pazhūhish-hā-yi Siyāsī, 2006/1385.

Fauvriér, Joannes. *Sī Sāl dar Darbār Irān az 1927/1306-1930/1309 Qamarī*. translated by 'Abbās Iqbāl Āshtiyānī. Tehran: Nashr 'Ilm, 2006/1385.

Ghāzāriyān. *Vāzhānāmah Armanī Kuhan*. Irvān: 2000/1379.

- Hanway, Jonas. *Hujūm Afghān va Zavāl Dawlat Šafāvī*. translated by Ismā'īl Dawlatshāhī. Tehran: Yazdān, 1988/1367.
- Hovsepian, Shahen. "Diyar Thaddeus Muqaddas". *Piymān*, yr. 12, no. 46 (winter 2008/1387): 5-37.
- Hovsepian, Shahen. "Nigāhī bi Tārikh Shahr Ejmiadzin". *Faṣḥnāmāh-yi Farhangī Piymān*, no. 86 (winter 2018/1396): 181-190.
- I' timādī, Bābak. *Ganj Dānish*. Tehran: Payām 'Adālat, 2018/1397.
- Jahāngīr Mīrzā. *Tārikh-i Nū (Shāmil Ḥavādiṣ Dawrah-yi Qājāriyah) az Sāl 1824/1240 tā 1850/1267*. ed. 'Abbās Iqbāl Āshtiyānī. Tehran: 'Ilm, 2005/1384.
- Kertatsi, Abraham. *Tārikh Man va Nādir, Pādish Irān*. translated by George A Bournoutian va Faṭimah Orūjī. Tehran: Kitābkhānah Ṭahūrī, 2019/1397.
- Khāvarī Shīrāzī, Faḏl al-Dīn. *Tārikh Zū al-Qarnīn*. Ed. Nāṣir Afshār. Tehran: Sāzīmān Chāp va Intishārāt, 2002/1380.
- Kostikyan, Kristine. *Farāmīn Fārsī Matenadaran (1798/1212-1829/1244)*. Irvān, Armanistān, J 2021, 5, no. 8/1, 12/1, 36/1, 68/1.
- Kotzebue, Maurice de. *Musāfirāt bi Irān bi Ma'iyat Safir Kabir Rūsiyah dar Sāl 1817/1232*. Tehran: Amīr Kabīr, 1969/1348.
- Metsopetsi, Tovma. *Tārikhniḡārī*. researched by Levon Khachikyan. Irvān: Nashr Māgāqāt, 1999/1378.
- Minasian, Sergey. "Naqsh Arāmanah dar Artish Irān". translated by Anahide Hovsepian. *Piymān*, no. 18-19 (winter and Spring 2001/1380): 132-139.
- Navāyī, 'Abd al-Ḥusayn. *Asnād va Mukātibāt Siyāsī Irān az Sāl 1693/1105-1722-1135*. Tehran: Mū'assisah-yi Muṭālī'āt va Taḥqīqāt-i Farhangī, 1984/1363.
- Orsolle, Ernest. *Safarnāmāh Qafqāz va Irān*. translated by 'Ali Aṣghar Sa'īdī. Tehran: Pazhūhishgāh-i 'Ulūm-i Insānī va Muṭālī'āt-i Farhangī, 2003/1382.
- Orūjī, Faṭimah. "Munāsibāt 'Abbās Mīrzā bā Kilisāy Etchmiadzin bā Tikiyah bar Asnād Ārshīwī". *Tārikhnāmāh-yi Irān ba'd az Islām*, no. 28 (autumn 2021/1400): 1-30.
- Papazyan, H. *Matn Farāmīn Fārsī Matenadaran*. Irvān: Ākādimī 'Ulūm Armanistān, 1956/1375.
- Petrushevskii, Pavlovich. *Tārikh Irān*. translated by Karīm Kishāvarz. Tehran: Payām, 1984/1363.
- Rā'n, Ismā'īl. *Irānīyān Armanī*. Tehran: Amīr Kabīr, 1977/1356.

علم و ديگران؛ نگاهی به تاريخچه و طول اچميادزين و کارکرد آن در دوره حکومت قاجار بر .../۱۰۳

---

Rāvandī, Murtażā. *Tāriḫ-i Ijtimāʿ Irān*. Tehran: Amīr Kabīr, 1976/1354.

Rizāyī, 'Abd al-'Azīm. *Ganjīnah-yi Tāriḫ Irān*. Tehran: Aṭlas, 1999/1378.

Saltykov, Aleksei Dmitrievich. *Musāfirat bi Irān*. translated by Muḥsin Ṣabā. Tehran: Intishārāt-i 'Ilmī va Farhangī, 2003/1381.

Sargsyan, Norik. "Sukūnat Mujadad Armanīyān Irān Tavasuṭ Ḥukūmat Rūsiyah dar 1828/1206, Ejmiadzin".

*Piymān*, yr. 22, no. 2 (2012/1390): 55-69.

Van der Iabel, George Tectander. *Iter persicum Guzārish Sifāratī bi Darbār Shāh 'Abbās Avval*. translated by Maḥmūd Tafāzūlī. Tehran: Bunyād Farhang Irān, 1972/1351.